



The Methodology of Islamic Economics in the Seminary of Qom over the Past Century

Mostafa Kazemi Najafabadi / Assistant Professor, Department of Economics, Institute for Humanities and Cultural Studies.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

Masoud Davoodipour  / Ph.D. Candidate in Economics, Institute for Humanities and Cultural Studies.

mdavoodipoor@rihu.ac.ir

Received: 2025/01/06 - **Accepted:** 2026/07/20

Abstract

Over the past century, the Seminary of Qom has witnessed significant scientific advancements in the field of Islamic sciences and has consistently contributed to the enrichment of scholarly discourse. Issues pertaining to Islamic economics have likewise attracted the attention of scholars within this seminary, given their religious and social significance. Employing an analytical-descriptive method, this study seeks to elucidate the role of the Qom Seminary in shaping the preferred methodology of Islamic economics during this period. The methodological development of Islamic economics in the Qom Seminary over the last century commenced with the ideas of Ayatollah Shahabadi and subsequently evolved with the introduction of the theories of Martyr Sadr and the presence of his students in the seminary, coinciding with the Islamic Revolution of Iran. Accordingly, the description of various methodologies-including "formation and claim," "synthesis," "independent theorizing," "deduction of economic theory from the Qur'an and Sunnah," "institutionalism," "codified thought theory," "deduction of sub-systems and macro-systems," "deduction of social rulings," "direct discovery," "the *ḥikmī-ijtihādī* model," "multi-stage," "external thematic interpretation," and the "empirical method"-all of which emerged within the intellectual milieu of the Qom Seminary over the past century, clarifies this institution's contribution to the growth and maturation of methodological perspectives in Islamic economics.

Keywords: Islamic Economics Methodology, Deductive Method, Discovery Method, Islamic Economic System.

روشن‌شناسی اقتصاد اسلامی در حوزه علمی قم

mostafakazemi@rihu.ac.ir

mdavoodipoor@rihu.ac.ir

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مسعود داوودی پور  / دانشجوی دکتری اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹

چکیده

حوزه علمی قم در سده اخیر دارای پیشرفت‌های علمی قابل توجهی در حوزه علوم اسلام بوده است و در غنای مطالب علمی همواره اثرگذاری داشته است. مباحث اقتصاد اسلامی نیز به‌عنوان یکی از خاستگاه‌های دینی و اجتماعی مورد توجه علمای حوزه علمی قم بوده است. این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال تبیین نقش سده اخیر حوزه علمی قم در روشن‌شناسی مطلوب اقتصاد اسلامی است. روشن‌شناسی اقتصاد اسلامی در سده اخیر حوزه علمی قم با اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی آغاز شده و در مرحله بعد با ورود نظریه شهید صدر و حضور شاگردان ایشان در حوزه علمی قم هم زمان با انقلاب اسلامی ایران، به رشد و کمال رسیده است. بنابراین توصیف روش‌های «تکوین و ادعا»، «ترکیب»، «نظریه‌پردازی استقلالی»، «استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت»، «نهادگرایی»، «نظریه اندیشه مدون»، «استنباط خرده‌نظام و کلان نظام»، «استنباط احکام اجتماعی»، «کشف مستقیم»، «الگوی حکمی اجتهادی»، «چندمرحله‌ای»، «تفسیر موضوعی بیرونی» و «روش تجربی» که همگی در بستر سده اخیر حوزه علمی قم شکل گرفته‌اند، نقش این حوزه علمی را در رشد و بالندگی نگاه به روشن‌شناسی در اقتصاد اسلامی مشخص می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: روشن‌شناسی اقتصاد اسلامی، روش استنباطی، روش کشفی، نظام اقتصادی اسلام.

مقدمه

حوزه علمی قم به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام، با سابقه‌ای طولانی در تفسیر قرآن، بهره‌گیری از ثرات روایی و نظریه‌پردازی دینی، نقشی محوری در توسعه اندیشه‌های اسلامی ایفا کرده است. این حوزه در تبیین الگوهای رفتاری و نظام حکمرانی دینی نقش‌آفرینی کرده و در زمینه پرورش و رشد جریان اقتصاد اسلامی نیز تأثیرگذار بوده است. یکی از عرصه‌های مهم در این حوزه، روش‌شناسی اقتصاد اسلامی است که به بررسی چگونگی تدوین و تولید نظریات اقتصادی بر مبنای منابع و مبانی اسلامی می‌پردازد. پژوهش حاضر به مطالعه تاریخچه شکل‌گیری نظریات اقتصاد اسلامی در حوزه علمی قم می‌پردازد و درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که روش مطلوب در اقتصاد اسلامی چیست و حوزه علمی قم در سده اخیر چه نقشی در تکوین و ارتقاء این روش‌شناسی داشته است.

در امتداد جریان‌های فکری و تلاش‌ها برای تکمیل مکاتب اقتصادی، اندیشه متفکران مسلمان، به‌ویژه در سنت شیعی، زمینه‌ساز پیدایش و تکوین برخی مفاهیم بنیادین در اندیشه اقتصادی اسلامی بوده است؛ مفاهیمی که هرچند در قالب مکتب مدون اقتصادی تا قرن هجدهم میلادی ظاهر نشدند، اما نقش مهمی در شکل‌دهی به رویکرد ارزشی و هنجاری اقتصاد اسلامی ایفا کردند. این در حالی است که اقتصاد متعارف با روندی تدریجی از ارزش‌زدایی، به سوی نوعی رویکرد خنثی و فارغ از ارزش حرکت کرد. در دوران معاصر، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر با نقد بنیادی مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیسم، بنیان‌گذار مکتب اقتصاد اسلامی شد و چارچوبی نظری، ارزشی و نظام‌مند برای آن ارائه داد. در ادامه این مسیر، اقتصاددانان پرورش‌یافته در حوزه علمی قم، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با بهره‌گیری از مبانی اندیشه صدر و تأکید بر رویکرد مکتبی، در ترسیم مرزهای نظری و مفهومی اقتصاد اسلامی نقش‌آفرینی کرده‌اند. آنان با تبیین روش‌های نظریه‌پردازی و ارائه مدل‌هایی در حوزه‌هایی همچون مالیه اسلامی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، و اقتصاد مقاومتی، به توسعه و ترویج مکتب اقتصاد اسلامی کمک کرده‌اند. باین‌حال، گردآوری منسجم روش‌ها و دستیابی به الگویی مطلوب در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی، مستلزم آسیب‌شناسی مطالعات پیشین، ارتقاء روش‌های موجود، و هم‌افزایی علمی در این حوزه راهبردی است. این مقاله در پی تبیین ابعاد تأثیرگذاری روش‌شناسانه اندیشه‌وران حوزه علمی قم در سده اخیر بر گفتمان اقتصاد اسلامی است و در این راستا، با رویکردی توصیفی، به بیان ساختار روش در جریان‌های اقتصاد اسلامی برخاسته از حوزه علمی قم می‌پردازد.

به عنوان پیشینه این تحقیق می‌توان به آثاری اشاره کرد که از روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و تفکر اقتصاددانان مسلمانان در روش نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی صحبت به میان آورده‌اند. خالد غفوری در مقاله «فقه النظرية لدى الشهيد الصدر» (الغفوری، ۱۴۲۱ق) به تبیین روش شهید صدر در کشف نظریات اساسی اسلامی پرداخته و برخی از ثمرات کاربردی فقه النظریه را نیز برشمرده است. در این مقاله سعی شده تا وجهی برای حجیت روش مزبور بر اساس حجیت مدلول التزامی مجموعی ارائه شود. آیت‌الله تسخیری، در مقاله‌ای با عنوان «در شناخت مکتب اقتصادی اسلامی و پاسخ به منتقدان» (تسخیری، ۱۳۸۲) که در حقیقت مکمل روش کشفی شهید صدر است به صورت کلی به ده

نکته راجع به روش مزبور اشاره نموده است. سیدحسین میرمعزی در مقاله «روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی» (میرمعزی، ۱۳۸۳)، یکی از علل اصلی اختلاف دیدگاه درباره ماهیت اقتصاد اسلامی را عدم اتخاذ روشی معین و منطقی در تحقیقات اقتصاد اسلامی می‌داند. وی روش پیشنهادی خود برای کشف ماهیت اقتصاد اسلامی را «استقراء نصوص و طبقه‌بندی آنها» می‌نامد. احمدعلی یوسفی در مقاله «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام» (یوسفی، ۱۳۸۵)، بعد از معرفی روش امضاء، تأسیس و اکتشاف، بهره‌گیری از ظرفیت هر سه روش را برای کشف نظریات اقتصاد اسلامی لازم دانسته و نام آن را روش ترکیب نهاده است. رستم‌نژاد و حسینی کوهساری در مقاله «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی» (رستم‌نژاد و حسینی کوهساری، ۱۳۸۸)، ابتدا به برخی از مبانی روش‌شناسی اقتصاد اسلامی اشاره کرده و سپس برخی از روش‌های تحقیق در اقتصاد اسلامی را ذکر می‌کنند. آقائزری در کتاب *روش‌شناسی اقتصاد اسلامی با رویکرد نهادی* (آقائزری، ۱۳۹۶)، با تأکید بر ضرورت روشمند بودن تحقیقات اقتصادی در چارچوب اسلامی، بر این باور است که اقتصاددان مسلمان باید ضمن برخورداری از دانش تخصصی اقتصاد، با مبانی اجتهادی و اصول فقه اسلامی نیز آشنایی عمیق داشته باشد تا بتواند در فرایند تولید نظریه، از روش‌شناسی تلفیقی بهره گیرد؛ روشی که ضمن حفظ انسجام درونی، به لحاظ معرفت‌شناختی نیز بر پایه منابع دینی استوار باشد.

در نهایت اثر علمی که تاریخچه نظریه‌پردازی در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را در بستر زمانی و مکانی سده اخیر حوزه علمیه قم تبیین کند وجود ندارد و از این جهت مقاله پیش‌رو دارای نوآوری است.

۱. مفاهیم بحث

۱-۱. روش‌شناسی اقتصاد

بررسی و ارزیابی شیوه تدوین و ارزیابی نظریات اقتصادی با توجه به مبانی فلسفی مرتبط با آن، مباحث مربوط به روش‌شناسی اقتصاد را تشکیل می‌دهد (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۹).

۱-۲. نظریه اقتصادی

مجموعه‌ای از گزاره‌ها است که درصدد بازتاب چارچوب‌های هنجاری کلان حاکم بر نظام اقتصادی است و یا راه‌های وصول به یک هدف مشخص را تبیین می‌کند و یا آنکه درصدد توصیف و تبیین یک رفتار یا پدیده اقتصادی تحقیق‌یافته در عالم خارج به همراه ایجاد قدرت پیش‌بینی نسبت به آینده است. (صدر، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۰۲).

۱-۳. اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی جزئی از نظام اسلامی بوده که شامل جوانب مختلف زندگی است. یک سیستمی که شکل گرفته از اصول فکری اسلامی بوده و درواقع اسلام مسئولیت دعوت به آن سیستم و نظم حیات اقتصاد بشری را داشته است (صدر، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۰۲).

۲. چارچوب روشی تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی است و به تبیین چیستی و چگونگی نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی در ادبیات موجود حوزه علمیّه قم مبادرت می‌ورزد. همچنین این پژوهش از نوع بنیادین است و زمینه را برای دستیابی به روش‌شناسی مطلوب اقتصاد اسلامی فراهم می‌آورد. این نوشته، به دنبال دسته‌بندی، بررسی و نقد آثار موجود حوزه علمیّه قم در ادبیات اقتصاد اسلامی همچنین رجوع به این آثار به منظور گردآوری مفاهیم و عناصر روش‌شناختی آنها برای روشن ساختن ماهیت و روش اقتصاد اسلامی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد نوشتاری، نرم‌افزاری و اینترنتی است. دستیابی به هدف این تحقیق، از طریق بررسی تجربیات تحقیقی در حوزه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر است. با شناسایی، بررسی قیاسی و سنجش برخی از مهم‌ترین این تحقیقات، علاوه بر آشکارسازی نقش پیش‌فرض‌ها و الزامات در پژوهش‌های اقتصاد اسلامی، می‌توان به معیارها و روش‌های قابل دفاع و قابل ارائه درباره روش‌شناسی اقتصاد اسلامی دست یافت.

۳. روش تکوین و ادعا

بررسی تحول نظریات روش‌شناسی اقتصاد اسلامی در حوزه علمیّه قم نیازمند توجه به نقاط عطف آن است. شهید سیدمحمدباقر صدر با نگارش کتاب *اقتصادنا* نقش مهمی در تدوین اندیشه اقتصاد اسلامی داشت و او را می‌توان پدر اقتصاد اسلامی نامید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳). او با بررسی مکاتب شرق و غرب، پایه‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی را بنا نهاد و نتایج تحقیقاتش راهنمای محققان اقتصادی اسلامی شد.

آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی در سال ۱۳۰۷ش به دعوت شیخ عبدالکریم حائری به قم آمد و به مدت هفت سال دروس اخلاق، فلسفه و فقه تدریس کرد. شاه‌آبادی معتقد بود که برای حل مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی باید الگویی متناسب با آموزه‌های اسلامی و مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی و ارزش‌شناختی استخراج شود. این روش‌شناسی، سرآغاز روش‌شناسی اقتصاد اسلامی در حوزه علمیّه قم بود.

آیت‌الله شاه‌آبادی با اشاره به فطرت انسان اقتصادی، او را عالم به خداوند و خیر محض می‌داند. این درک به توحید افعالی منجر می‌شود که رفتارهای اقتصادی را به سمت خیر و کمال مطلق هدایت می‌کند. در مقابل، الگوهای اقتصادی سکولار بر اساس قهر و غلبه شکل می‌گیرند که به تراجم منافع و نفع اقلیت توانمند منجر می‌شود (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). طبق این بیان، نوعی نگرش روش‌شناسانه به اقتصادی که در جامعه با توجه به درک و علم افراد وجود دارد بیان شده است و ایشان معتقد به روش فطری به سوی کمال و درک خیر کمال ذات خداوند و تنظیم رفتارهای اقتصادی بر اساس آن در متن جامعه است.

یوسفی در یکی از مقالات خود، روش نظریه‌پردازی آیت‌الله شاه‌آبادی در اقتصاد اسلامی را «روش تکوین و ادعا» می‌نامد. در این روش، شناخت قضایای اقتصادی با تحلیل از سطوح زیرساختی به سطوح روبنایی صورت

می‌گیرد و پس از استخراج الگوی اقتصادی، این الگو بر مبنای فقه اسلامی مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. وی ابعاد روش‌شناختی استخراج الگوی اقتصادی اسلامی از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی را به شرح زیر تبیین می‌کند.

«هدف‌های فعالان اقتصادی بر اساس مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی شکل می‌گیرد. این مبانی، رفتارها و روابط اقتصادی هدفمند را شکل می‌دهند و نهادهای اقتصادی بر اساس آنها تأسیس می‌شوند. اگر مبانی الگوی اقتصادی سکولار باشد، هدف‌ها، رفتارها و نهادهای اقتصادی متفاوت از الگوی مبتنی بر خدامحوری خواهد بود. در هر دو نوع الگو، فقه فقط احکام وضعی و تکلیفی رفتارها و روابط اقتصادی را تعیین می‌کند. الگوهای مبتنی بر مبانی انسان‌محوری، اگر با احکام فقهی سازگار باشند، مجاز و اجرایی هستند، اما الگوی اقتصادی جامع اسلامی محسوب نمی‌شوند. الگوی اقتصادی جامع اسلامی باید منطبق بر مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی باشد. بسیاری از احکام فقهی احتمال واقع‌نمایی کمی دارند، اما اگر الگو بر اساس مبانی قطعی اسلامی استخراج شود، احتمال واقع‌نمایی آن بسیار بالاست» (یوسفی، ۱۳۹۴).

آیت‌الله شاه‌آبادی برای کشف روش مطلوب اقتصادی در اسلام، از آسیب‌شناسی اقتصاد ایران به‌عنوان شناخت وضعیت موجود استفاده می‌کند. سپس الگوی مطلوب را بر اساس آموزه‌های اسلامی و مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی طراحی می‌کند. حرکت به سمت این الگو نیز با توجه به حدود و روش‌های مشخص‌شده توسط آموزه‌ها انجام می‌شود. این روش به استخراج گزاره‌های رفتار ساز و الگوهای رفتاری برای نهادهای سازگی در جامعه می‌پردازد و بایسته‌های تسهیل روند این رفتارها را از مؤلفه‌های ذکرشده استخراج می‌کند.

۴. امتداد روش فقه نظریه اقتصادی شهید صدر

برای تدوین اقتصاد اسلامی، تبیین روش‌شناسی روشن و ساده ضروری است. این روش‌ها فرایند شکل‌گیری گزاره‌های اقتصاد اسلامی را توضیح می‌دهند که توسط اقتصاددانان و فقیهان ارائه شده است. روش‌شناسی علم، اهمیت و ضرورت دارد و تکمیل آن با جوانب معرفتی، مسیر دریافت گزاره‌های علمی و نقاط ابهام را روشن می‌کند. مطالب پیش‌رو به بررسی سیر تاریخی و مفهومی روش‌های اقتصاد اسلامی در سده اخیر، به‌ویژه در حوزه علمیة قم، می‌پردازد. هدف از تبیین روش‌های مختلف، تبیین هسته اصلی روش نظریه‌های اقتصاد اسلامی همراه با نقد و بررسی آنهاست که در مرحله بعد به کشف روش‌شناسی مطلوب اقتصاد اسلامی از مباحث موجود در حوزه علمیة قم و اثر آن بر این نقطه مطلوب پرداخته می‌شود. اندیشمندان اسلامی در بحث اقتصاد اسلامی از روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند که منجر به اختلاف در ارائه مطالب شده است. برخی احکام ثابت و متغیر را مطرح کرده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر مبانی و مکتب اقتصادی را اساس اقتصاد اسلامی دانسته‌اند. تعدادی از اندیشمندان، اقتصاد اسلامی را علم دانسته و گستره آن را شامل فلسفه، مکتب، نظام، نهاد و حقوق می‌دانند.

مطالعات روش‌شناسی اقتصاد در حوزه علمیّه قم، نگاه تکمیلی یا انتقادی به روش کتاب/اقتصادنا دارند. این کتاب با ارائه روش‌شناسی مشخص در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، بر نظریه شهید صدر استوار است. روش «فقه نظریّه اقتصادی» از این کتاب برگرفته شده و هدف آن کشف نظریات بنیادی اسلام در عرصه اقتصاد است. محقق فقه نظریّه اقتصادی به دنبال قوانین کلی اقتصادی است تا فقه را از احکام فردی به عرصه‌های کلان اجتماعی بکشد. این نظریه بر انسجام و ارتباط احکام شریعت استوار است. مراحل کشف نظریات اقتصادی بر اساس فقه نظریه بر مراحل ذیل مبتنی است:

– ارائه فرضیه: محقق اقتصادی باید فرضیه‌ای را به صورت اجمالی در ذهن خود داشته باشد و بر اساس آن به کشف نظریه بپردازد.

– گردآوری احکام مرتبط و همسو: در این مرحله محقق فقه نظریات هر حکم که بتواند او را در راستای کشف نظریه یاری رساند، جمع‌آوری می‌کند.

– ترکیب بین احکام و کشف نظریه: پس از جمع احکام بر اساس فرضیه، لازم است مجموعه پیش‌رو را به صورت مجموعی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بنابراین لازم است هر حکمی به صورت جزئی از کل و بخشی از یک مجموعه مرتبط نگریسته شود.

در نهایت بر اساس روش فقه نظریات راه تصحیح و حجیت نظریه، تمسک به مقدمات دلیل انستاد بوده است؛ چراکه استفاده از نصوص و منابع استنباط به روش متعارف اجتهاد برای کشف نظریات اساس مشکل بوده و نوعاً به بن‌بست می‌رسد (آقانظری و خطیبی، ۱۳۹۲).

آیت‌الله حائری در توضیح و تکمیل روش فقه نظریه می‌فرماید: «اقتصاد اسلامی از دو بخش سیستم و علم تشکیل شده است. علم به معنای قوانین واقعی است که پس از رعایت چارچوب‌ها به دست می‌آید. نظام اقتصاد اسلامی شامل دو مرحله زیربنا و روبنا است. روبنا به احکام فقهی اشاره دارد و زیربنا به نظام‌های عمومی که فقه و حقوق اسلامی بر آنها مبتنی است. فقه معاملات و حقوق اقتصادی اسلام مستقیماً از کتاب و سنت استخراج می‌شود. نهادهی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام برای پیشبرد وضعیت اقتصادی در جهت مصالح اسلامی کافی است. بنابراین، ابتدا باید فقه معاملات و حقوق اقتصادی اسلام را بر اساس کتاب و سنت تکمیل کرد و سپس با ترکیب فقه و مبانی اقتصادی اسلامی، نظام اقتصادی اسلام را استخراج و با کمک ولایت مطلقه فقیه و تشخیص مصلحت زمانی و مکانی، آن را در جامعه اجرا کرد» (حائری و یوسفی، ۱۳۸۰).

آیت‌الله تسخیری با تکمیل روشمند نظریّه شهید صدر در ده گام و تکمیل نظریه با مباحث حجیت روش اقتصاد اسلامی را به این صورت تبیین می‌کند: ۱. جدایی علم و مکتب؛ ۲. تفاوت قائل شدن بین مکتب و قانون؛ ۳. روبنا شمردن قانون؛ ۴. وظیفه پژوهشگر اسلامی کشف و یافتن مکتب است؛ ۵. کل‌گرایی؛ ۶ نقش مفاهیم در استنباط؛

۷. مناطق آزاد فقهی؛ ۸. کشف مضمون‌ها؛ ۹. ضرورت آزادی و حق انتخاب؛ ۱۰. توجه به اجرا و خطرهای اجتهاد (تسخیری، ۱۳۸۲).

وجه تکمیلی نظریه ایشان نسبت به شهید صدر بیان از فایده و مشروعیت روش بیان شده است. مکتب‌گرایی در این روش امکان مقایسه اقتصاد اسلامی با سایر مکاتب اقتصادی را فراهم می‌کند و بر استنباط احکام شرعی تأثیر می‌گذارد. این روش می‌تواند قاعده‌هایی ایجاد کند که در صدور احکام فرعی شرعی مؤثر باشند و روش استنباط و فهم متون را تغییر دهند. همچنین، این روش پشتوانه فکری لازم برای اجرای شریعت اسلام را فراهم می‌کند.

حجیت این روش به تداخل میان حکم عملی فردی و روند اجتماعی حکومت برمی‌گردد. در مرحله نخست اجتهاد، حجیت از اطمینان قطعی یا ظن معتبر نیاز است. در محور اجتماعی، نظریات مکتبی با حکم ولی امر و رهنمون‌های شرع مقدس حجیت لازم را پیدا می‌کنند. درواقع ایشان در ابتدا به‌طور کلی منکر نیازمندی روش کشفی به حجیت شده و در مرحله بعد با فرض نیاز به حجیت، از طریق حکم حکومتی حاکم شرع آن را تصحیح نموده است (تسخیری، ۱۳۸۲).

توکل در کتاب *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد* به‌عنوان خروجی مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی به بررسی روش تدوین نظریات اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر می‌پردازد (توکل، ۱۳۹۸، ص ۲۹۳). نویسنده بیان می‌کند که روش‌شناسی اقتصاد اسلامی از هستی‌شناسی آن جدا نیست. اگر اقتصاد اسلامی به تکامل پدیده‌ها باور داشته باشد و هدف آن اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی باشد، مبنای واقع‌گرایی اصلاحی مطرح می‌شود. پذیرش این مبانی هستی‌شناختی می‌تواند روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد و تدوین مدل‌های ایدئال پیشرفت را ضروری سازد (توکل، ۱۳۹۸).

این کتاب با تفکیک نظریه‌پردازی در مکتب و علم اقتصاد اسلامی، روش‌های مختلفی را برای هر کدام معرفی می‌کند. در بخش روش‌شناسی مکتب اقتصاد اسلامی، با تمرکز بر نظریه شهید صدر و جمع‌آوری نظریات تکمیلی، مباحث به صورت سیر تطور علمی ارائه می‌شود. در روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی، دو روش قیاسی و استقرایی مطرح می‌شود. در روش استقرایی، پژوهشگر پدیده‌های اقتصادی را از طریق تجربه جمع‌آوری کرده و به کشف قوانین علمی می‌پردازد. در روش قیاسی، بحث علمی از فروض معین آغاز شده و با استنتاج قیاسی به نتیجه‌گیری می‌رسد (توکل، ۱۳۹۸، ص ۳۱۹).

شهید صدر استفاده از دو روش قیاسی و استقرایی و ترکیب آنها را برای گسترش گزاره‌های علم اقتصاد اسلامی پیشنهاد می‌دهد. روش ترکیبی قیاس و استقرا نقیصه عدم همخوانی با واقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. در این روش، پس از استدلال قیاسی، فرضیه‌ها با تجربیات بیرونی تطبیق داده می‌شوند و در صورت ناسازگاری، مقدمات و استنتاجات بازبینی می‌شوند (توکل، ۱۳۹۸، ص ۳۲۱).

ایشان برای تکمیل تمامی روش‌های پیشین، در سرفصل تکنیک‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی، به بیان جایگاه شگردهای نظریه‌پردازی در ارائه نظریه اقتصاد اسلامی می‌پردازد و از این رهگذر به جایگاه فروض متناسب، ساده‌ساز و ایدئال در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، جایگاه مدل‌سازی در روشناسی اقتصادی اسلامی و جایگاه ریاضیات در اقتصاد اسلامی می‌پردازد (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۰).

۵. روش ترکیب در تکمیل روش فقه نظریه

یوسفی با در نظر گرفتن نظریه شهید صدر و با بیان یک مقدمه و تبیین سه روش تأسیس، امضا و اکتشاف در نظریه‌پردازی گزاره‌های اقتصاد اسلامی، با توجه به گستردگی گزاره‌های اقتصادی و تفاوتی که با هم دارند، روش ترکیب را به‌عنوان روش نظریه‌پردازی مکمل ارائه می‌دهد. ایشان بستر شکل‌گیری آموزه‌های اقتصادی اسلام را در مرحله می‌داند که مترتب بر هم هستند:

– مبانی اعتقادی: شامل آموزه‌هایی است که جهان‌بینی حاکم بر رفتارهای اقتصادی و زیربنای فکری مکتب اسلام را تبیین می‌کند. این آموزه‌ها شامل خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی هستند و بر رفتارهای اقتصادی تأثیرگذار بوده و جهت‌دهی می‌کنند.

– مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی: این مجموعه شامل دستورهای کلی مبتنی بر اعتقادات و ارزش‌ها است که جهت دستیابی به اهداف باید مورد پذیرش قرار گیرند.

– احکام اقتصادی: حقوق و قوانین حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی افراد، سازمان‌ها و دولت که باید‌ها و نبایدهای رفتاری مکلفان و بازیگران فعالیت‌های اقتصادی را روشن می‌سازد.

– الگوهای رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف: این الگوها رابط بین فعالان اقتصادی و منابع است که در بستر اصول و قواعد اساسی و احکام اقتصادی استنباط و استخراج می‌شود.

– اهداف اقتصادی: این اهداف نقطه مطلوب فعالان اقتصادی است که تمامی فعالیت‌های خرد و کلان خود را در جهت آن سامان‌دهی می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۵).

ایشان بعد از بیان از ترتب هر کدام از مؤلفه‌های ذکرشده جهت شکل‌گیری نظریات اقتصادی در اقتصاد اسلامی، روش ترکیب را به‌عنوان روش کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی بیان می‌کند که مرکب از سه راه روش امضا، روش اکتشاف و روش تأسیس است. به‌طور خلاصه هر کدام از این روش‌ها و شیوه ترکیبی آنها را به این صورت می‌توان بیان کرد:

۵-۱. روش امضا

در این روش احکامی مثل احکام معاملات، توسط عرف و عقلا بر اساس شروط و قیود الزامی زندگی اجتماعی اعتباربخشی می‌شوند. در نهایت مقصود جدی نسبت به اعتبارات عرفی از این طریق کشف می‌شود که تمام معاملات

عرف مورد تأیید و امضای شارع بوده، مگر آنکه در عناوینی قرار گیرد که مورد نهی قرار گرفته باشند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۵-۷۷).

۵-۲. روش تأسیس

در این روش احکامی که از طرف شارع جعل و صادر شده مورد نظر قرار می‌گیرد که سابقه‌ای در عرف و عقلا ندارد. برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام باید به وحی منزل، سنت و عقل، مبانی اعتقادی و ارزشی اسلام مراجعه کرد. درواقع آموزه‌های به‌دست‌آمده از این طریق جهان‌بینی اسلامی در عرصه رفتارهای اقتصادی را نشان می‌دهد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۶).

۵-۳. روش اکتشاف

این روش در جهت روش امضا و بعد از کشف احکام اقتصادی از روش امضا است. درواقع برای کشف اصول و قواعد اساسی نظام اقتصادی است که نوعی حرکت از روبنا به زیربنا است؛ یعنی محقق اقتصاد اسلامی با جمع‌آوری احکام و قوانین مدنی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، تنظیم و تنسيق آنها می‌تواند مذهب اقتصادی را کشف کند (یوسفی، ۱۳۸۴).

۵-۴. روش ترکیب

در روش ترکیبی، محقق اقتصاد اسلامی با استفاده از سه روش پیشین به نظریه مطلوب اقتصادی می‌رسد. پایه‌های تأسیسی و امضایی در این روش اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا مستنبطات آنها حجت می‌شود. محققان ابتدا از این دو روش برای کشف آموزه‌ها استفاده می‌کنند و در صورت ناکامی، از راه اکتشاف بهره می‌برند که مسیر مکمل در کشف اصول و قواعد اساسی است (یوسفی، ۱۳۸۵).

۵-۵. روش نظریه‌پردازی استقلالی

سیدحسین میرمعزی معتقد است روش استقلالی به‌عنوان روشی عقلی برای کشف گزاره‌های اقتصاد اسلامی استفاده می‌شود. این روش با مطالعه مبانی و اهداف شریعت اسلام در بُعد اقتصادی آغاز می‌شود و بر اساس آن علم اقتصاد اسلامی تعریف و وظایف آن تعیین می‌گردد. ابتدا باید مبانی و اهداف اقتصادی اسلام برای جامعه اسلامی استنباط شود و سپس مفهوم سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه به‌عنوان هدف غایی شریعت تبیین گردد. اقتصاد اسلامی به تحقق عدالت و امنیت اقتصادی و بارور کردن استعدادهای طبیعت از طریق تخصیص و توزیع منابع کمیاب در چارچوب شریعت اسلام کمک می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۶).

روش کشف نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر منابع اسلامی و ترکیبی از اجتهاد تحلیلی، اجتهاد سیستمی و روش اقتصاد کلان است. این روش به صورت کل‌گرایانه ارائه می‌شود، جایی که کل بیش از مجموع اجزا است. هدف این

روش، شناخت اجزاء، روابط و کارکرد نظام به عنوان یک کل منسجم و مرتبط است. هدف نهایی نیز شناخت احکام و روابط بین آنها و چگونگی کارکرد نظام احکام افعال مکلفان در جهت اهداف این نظام است. منابع استنباط شامل کتاب، سنت، اجماع و عقل است که با اعتبارسنجی مورد استفاده قرار می گیرند. نظام کشف شده شامل الگوهای رفتارها و روابط اقتصادی است که در جهت هدف های شریعت و در چارچوب نظام حقوقی و اخلاقی و مبتنی بر بینش ها و سنت های الهی به صورت هماهنگ هستند که شش مرحله را در جهت استنباط نظام اقتصادی مطلوب طی می کنند:

۱) تعیین مرزهای نظام اقتصادی؛

۲) استنباط اجزای نظام اقتصادی از نصوص؛

۳) تعیین زیرنظام های نظام اقتصادی؛

۴) کشف نظام های پیرامونی؛

۵) کشف هدف های نظام اقتصادی؛

۶) درک نظام اقتصادی اسلام به صورت کل منسجم با استفاده از الگوهای ریاضی.

بنابراین در کشف نظام اقتصادی اسلام نمی توان به روش اجتهاد تحلیلی مرسوم بسنده کرد؛ بلکه باید در کنار آن از اجتهاد سیستمی و روش های مطالعه نظام اقتصادی در اقتصاد کلان بهره برد (میرمعزی، ۱۳۸۹). یکی از علل اصلی اختلاف دیدگاه درباره ماهیت اقتصاد اسلامی، عدم اتخاذ روشی معین و منطقی در تحقیقات است. روش پیشنهادی برای کشف ماهیت اقتصاد اسلامی، «استقراء نصوص و طبقه بندی آنها» است. این نصوص به چهار دسته عقیدتی، اخلاقی، حقوقی و علمی تقسیم می شوند. سپس با تعریف اصطلاحات مذهب، نظام و علم اقتصاد اسلامی، اثبات می شود که اقتصاد اسلامی شامل هر سه بخش است (میرمعزی، ۱۳۸۳).

۶. روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت

رجایی رامشه و خطیبی با روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت گزاره های اقتصاد اسلامی را قابل استخراج می دانند. در این روش، پس از شناسایی متغیرهای مرتبط، اطلاعات به دانش اقتصاد متعارف عرضه می شود و موضوع شناسی در سه سطح مفهوم شناسی، سیر تاریخی و کشف مبانی انجام می گیرد. سپس مبانی اسلامی مرتبط با موضوع از کتاب و سنت به روش اجتهادی استخراج می شود. با ضمیمه کردن راهبردهای استخراجی به مبانی، نظریه کشف می شود. در نهایت، متغیرهای مرتبط تجدید ارزیابی شده و فرایند استنباط نظریه اقتصادی تکمیل می شود. فرایند استنباط نظریات اقتصاد اسلامی در مراحل که در پیش می آیند، صورت می گیرد:

– مواجهه با مشکل و طرح مسئله: در حقیقت طرح مسئله، مشکلی است که محقق با هدف حل آن وارد تحقیق می شود.

– طرح مجموعه پرسش ها و طبقه بندی آنها: پس از طرح مسئله، پرسش های فرعی در رابطه با ابعاد گوناگون

مسئله مطرح می شود.

- طرح فرضیه: فرضیه درواقع پاسخ احتمالی به پرسش اصلی بوده و صحت‌سنجی آن در پایان تحقیق مشخص می‌شود.

شناسایی عناصر و متغیرهای مرتبط با موضوع ضروری است. به دلیل پیچیدگی رفتارها و پدیده‌های اقتصادی، متغیرهای مؤثر باید شناسایی و بر اساس میزان تأثیرگذاری رتبه‌بندی شوند.

موضوع‌شناسی عمیق برای استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت ضروری است. محقق باید در مباحث اقتصادی صاحب‌نظر باشد. این فرایند شامل آشنایی با مفاهیم و متغیرهای مرتبط، بررسی سیر تاریخی موضوع و کشف و نقد مبانی اقتصاد رایج است.

- رجوع به مبانی اقتصاد اسلامی: مبانی بنیادهای فکری و پایه‌ای هستند که اصول، قواعد و مسائل هر مکتب و نظام اقتصادی بر اساس آنها شکل می‌گیرد.

- کشف راهبردها و شناسایی مجدد متغیرها: راهبردها باید و نیایدی است که شارع با تشریع آنها درصدد هدایت حرکت اقتصاد به سمت و سویی خاص است. این مرحله نیازمند تتبع فقهی و بهره‌گیری از روش اجتهادی است.

- انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی و استنباط نظریه: در این مرحله ثمره تلاش علمی محقق نمود پیدا کرده و نظریه از درون اجزای قبلی متولد می‌شود.

- کشف معیارها و تعیین شاخص‌ها: معیار برای شفاف‌سازی مفاهیم عمل می‌کند و شاخص نشانه‌هایی تعریف می‌کند و عملیات آمارگیری را ممکن می‌کند (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۶).

۷. روش نهادگراییانه

مبدع این روش آقائظری است. ایشان معتقد است: محقق اقتصاد اسلامی باید علاوه بر مباحث فقهی، دانش اقتصادی کافی داشته باشد. فرضیه‌های پژوهش باید با اسلام سازگار باشند؛ در غیراین صورت، باید جایگزین اسلامی مناسب انتخاب شود. مثلاً به‌جای نرخ بهره، نرخ سود انتظاری سرمایه که با آموزه‌های اسلام هماهنگ است، استفاده می‌شود (آقائظری، ۱۳۸۵).

مذهب بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و آثار اقتصادی مؤثری دارد، احکام شرعی، هستی‌های عقلایی - اجتماعی به حساب آمده و واقعیت نهادی در پیش‌روی جامعه است. درواقع فعالیت‌های اقتصادی انسان در چارچوب نهادهای اسلامی انجام گرفته و منافع اجتماعی از منافع فردی تفکیک‌ناپذیر می‌شود. علم اقتصاد اسلامی همانند دیگر علوم اقتصادی در جست‌وجوی کشف و فهم واقعیت اقتصادی است؛ اگر واقع اقتصادی تمامی انسان‌ها بر اساس ارزش‌های واحد باشد، همه جامعه نیز به دنبال فهم و تبیین یک نوع واقعیت اقتصادی خواهند بود. درنتیجه از آنجاکه واقعیت اقتصادی تابع نهادی است که بر پایه آن شکل می‌گیرد، باید گفت روش‌شناسی اقتصادی نیز متفاوت و همسو با نهادی است که فرهنگ بومی جامعه بر اساس آن شکل می‌گیرد (آقائظری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵).

در این نظریه ابتدای روش‌شناسی اقتصاد بر ساختار نهادی ناشی از فرهنگ بومی مورد تأکید بوده و بر این اساس واقعیت اقتصاد اسلامی بر اساس ارزش‌های دینی که خارج از ذهن اقتصاددان است شکل خواهد گرفت و روش علم اقتصاد اسلامی بر اساس ساختار نهادی خود منحصر در مبانی ارزشی در فرهنگ بومی جامعه اسلامی خواهد بود، از این رو اقتصاد خرد اسلامی سعی در تبیین اثر مبانی اعتقادی اسلامی و احکام شرعی به عنوان مذهب بر رفتار اقتصادی فرد دارد. با این روش حاکم بر اقتصادی خرد اسلامی سازوکار بازار، چپستی بازار، قواعد بازار، جریان بازار و اطلاعات مورد نیاز در قرارداد تفاوت بسیاری با اقتصاد خرد متعارف خواهد داشت.

۸. روش نظریه اندیشه مدون

هادوی تهرانی در روش اندیشه مدون ابتدا با استقراء تمامی عناصر تشکیل دهنده دین و تقسیم آنها به دو دسته (۱) عناصر دینی که نمود جهان‌بینی اسلام در حوزه اقتصاد به عنوان «هست‌ها» و (۲) عناصر دینی که نتایج جهان‌بینی اسلامی در حوزه اقتصاد به عنوان «بایدها»، در تکمیل نظریه شهید صدر و تعبیر ایشان به «روبنا» و «زیربنا» به استخراج نظام اقتصادی اسلام می‌پردازد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۱). منابع و ابزار شناخت معطوف به ابزارهایی است که کشف از آموزه‌های اسلام می‌کند. بنابراین تمام مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی از طریق کتاب، سنت و عقل دست‌یافتنی است. روش مطالعه جهت کشف گزاره اقتصاد اسلامی، با واسطه نگاه سیستمی به آموزه‌های دینی بوده و به هنگام مراجعه به منابع شناختی به مبانی، مکتب، اخلاق و حقوق طبقه‌بندی می‌شود، در نهایت نیز با همگونی این آموزه‌ها به کشف مجموعه کامل نظریه اقتصاد اسلامی دست پیدا می‌شود.

درواقع دسته اول از این عناصر دینی ناظر به واقعیت‌های عینی و تکوینی در این نظریه فلسفه نامیده می‌شود و دسته دوم که در آنها اعتبار وجود دارد، تقسیم به دو بخش مکتب و نظام می‌شود. به‌طور کلی عناصری در فرایند استخراج اقتصاد اسلامی مؤثر هستند، شامل موارد ذیل هستند:

الف. هست‌ها (فلسفه)

۱. مبانی فلسفی (خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی): واقعیت‌هایی که اموری را بیان می‌کند که در رابطه با امور واقعی، مانند خدا، انسان و هستی پیرامون انسان است. این مبانی شامل گزاره‌های توصیفی از واقعیت‌هایی است که دارای آثار و نتایج اعتباری در شکل‌گیری نهادها و رفتارهای اقتصادی می‌باشد.

۲. اخلاق: واقعیت‌هایی که شامل ملکات انسانی بوده که شامل اثبات فضایل نفسانی و نفی رذایل نفسانی در حوزه مشخص رفتارهای اقتصادی می‌شود.

ب. بایدها (اعتبارات)

۳. مبانی مکتبی: پیش‌فرض‌هایی است که اسلام در زمینه اقتصاد عرضه کرده است.

۴. اهداف: همان هدف‌هایی هستند که اسلام در یک زمینه از جمله در حوزه اقتصاد مطرح کرده است.

۵. سازوکارها (نظام): مجموعه‌ای منطبق بر شرایط که در موقعیتی خاص به شکلی خاص تجلی می‌کند.

۶. حقوق: چهره قانونی عناصر جهان‌شمول که در قالب احکام ثابت ترسیم شده‌اند.

ترکیب این شش عنصر به روش نگاه سیستمی و نظام‌مند، دارای خروجی مجموعه هماهنگ، الگوی کامل، مفاهیم خالص و کارآمد بوده و نهادها و رفتارهای اقتصادی را همسو با نظریات اسلامی می‌کند و نظام اقتصادی اسلام در جامعه حاکمیت پیدا کرده و مطالعه رفتارها و نظام‌های اقتصادی موجود به روش علم اقتصاد اسلامی را میسر می‌سازد (ترخان، ۱۳۹۲).

۹. روش استنباط خرده‌نظام و کلان نظام

این روش بیان می‌کند که باید با استنباط اتمیک، خرده‌نظام‌ها شناسایی شوند و سپس در خود خرده‌نظام‌ها نیز استنباط اتمیک انجام شود تا استنباط کلان نظام صورت گیرد. به‌عنوان مثال، نظام پولی، مالی و بانکی از خرده‌نظام‌های نظام اقتصادی هستند که با کشف آنها، مجموعه نظام اقتصادی نیز کشف می‌شود. اسلام نظام اقتصادی دارد که لازم الاستنباط است و روش آن نیز ویژه و خاص است. در این روش حداقل چهار کار صورت می‌گیرد تا روش پاسخگو در استنباط نظام اقتصادی اسلام به دست آید. این روش‌ها بنیادی و اساسی بوده و دلیلی بر انحصار آنها نیست. این چهار عنصر عبارتند از: ۱. ظرفیت‌شناسی اسناد استنباط؛ ۲. توسعه مسائل اصول فقه؛ ۳. توجه به ظرفیت اسناد عام قراردادها؛ ۴. اصلاح نگاه حداقلی و قدر متیقن‌گیری (علیدوست، ۱۳۹۹).

- ظرفیت‌شناسی اسناد استنباط: در این مرحله باید به ظرفیت نهاده‌شده در اسناد استنباط، نظیر عقل، عرف و مصلحت توجه کرد، به‌عنوان مثال پیرامون عقل، باید بگوییم که ما نمی‌توانیم در نظام اقتصادی اسلام از عقل استفاده نکنیم. عقل نه تنها در کارایی مستقل آن (یعنی سند)، بلکه حتی در کارایی تفسیری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی عقل در کنار ادله قرار می‌گیرد، ادله به گونه دیگری تفسیر و استنباط می‌شوند. بنابراین ظرفیت‌شناسی اسناد استنباط در استنباط نظام اقتصادی اسلام لازم است.

- توسعه مسائل اصول فقه: برای کشف نظام اقتصادی اسلام لازم است مسائل علم اصول فقه توسعه داده شود به‌عنوان مثال نگاه هرمی داشتن به ادله برای استنباط نظام لازم به نظر می‌رسد؛ یعنی نمی‌توانیم سیستم استنباط بکنیم، بعد بخواهیم با استنباط اتمیک این کار را انجام داد.

- توجه به ظرفیت اسناد عام قراردادها: در نظام معاملات اسلامی یک سری ادله خاص داریم و یک سری اسناد عام، نظیر «النَّاسُ مُسْلِمُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ»، «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ». به این معنا که کسی که می‌خواهد استنباط نظام کند باید به این ظرفیت‌ها توجه کند.

اصلاح نگاه حداقلی و قدر متیقن گیری: نگاهی در فقه وجود دارد به نام قدر متیقن گیری، برای نمونه در مسئله مضاربه ادعای اجماع شده که مضاربه باید با درهم و دینار صورت گیرد. اگر کسی بخواهد نظام اقتصادی اسلام را استنباط کند، باید این نگاه را اصلاح کند (علیدوست، ۱۳۹۹).

۱۰. روش استنباط احکام اجتماعی

تعبیر به روش شناسی فقه اجتماعی و فقه اقتصادی، شیوه استنباط فقهی در حوزه فقه اجتماعی در تمامی ابعاد خود است که همانند فقه فردی در نظر گرفته می شود و برای استنباط آن از اصول فقه موجود بهره برداری می شود و در کنار آن روش اصولی با توجه به نیاز فقیه در استنباط احکام اجتماعی تکمیل می شود. روش تکمیل روش استنباط در فقه های اجتماعی بازگشت به توجه به عقل، شناخت جایگاه حاکم اسلامی، قواعد فقهی جدید و تبیین جایگاه مقاصد الشریعه در فقه اجتماعی است (ربانی، ۱۳۹۴).

۱۱. روش الگوی حکمی اجتهادی

نظریه الگوی حکمی اجتهادی علم اجتماعی اسلامی در جهت استخراج و استنباط گزاره های علوم اجتماعی از جمله اقتصاد اسلامی را مطرح شده است. این الگو به عنوان روشی در جهت مطالعه بین رشته ای اقتصاد و علوم اسلامی کاربرد دارد. مدعای این الگو آن است که مباحث علم اقتصاد مشتمل بر چهار بخش است:

۱. توصیف انسان اقتصادی مطلوب؛
 ۲. توصیف انسان اقتصادی تحقق یافته؛
 ۳. نقادی انسان اقتصادی محقق؛
 ۴. ارائه توصیه برای تغییر انسان اقتصادی محقق به انسان اقتصادی مطلوب.
- این الگو توصیف های چهارگانه ای را بر اساس رابطه علوم اقتصادی با مباحث عقلی، حکمی، تجربه و آموزه های نقلی ارائه می دهد. الگوی حکمی اجتهادی بر مباحث عقلی و حکمی تکیه دارد و این مباحث جزء معرفت فلسفی محسوب می شوند. معرفت فلسفی در اقتصاد به تبیین مبانی، حقایق، معرفت شناسی و روش شناسی کمک می کند. توصیف انسان تحقق یافته نیاز به تجربه و روش های آزمایشگاهی دارد و توصیف وضعیت مطلوب از دیدگاه اسلام نیازمند روش اجتهادی و ضابطه مند است. کشف واقع از اهداف شارع است که در بستر چهار نوع اجتهاد به دست می آید.

اجتهاد قسم اول: بر اساس اصول و قواعد اصول فقه به فهم متون دینی پرداخته می شود.
اجتهاد قسم دوم: تفسیر موضوعی قرآن است که با روش استنباط شهید صدر در موضوعات نوین با عرضه پرسش ها بر قرآن کریم و متون دینی انجام می شود.

اجتهاد قسم سوم: استنتاج فرد، جامعه و تاریخ است در این حالت با پرسش‌هایی که از متون دینی به دست می‌آید، فرد، جامعه و تاریخ استنتاج می‌شود.

اجتهاد قسم چهارم: نهادسازی و ساختارسازی است که با کمک مبانی و اهداف فلسفی و مکتبی، به اصول اجتماعی، احکام و ارزش‌های اخلاقی و فقهی رسیده می‌شود (خسروپناه، ۱۳۹۷).

۱۲. روش چندمرحله‌ای

روش اجتهاد چندمرحله‌ای، روشی است برای بررسی مسائل فقهی حوزه اقتصاد و مالی اسلامی که عملیات استنباط را فرایندی مستمر به‌هم‌پیوسته معرفی می‌کند. این روش با موضوع‌شناسی تفصیلی پژوهشگر آغاز شده و با تبیین بُعدهای فقهی موضوع به وسیله او و خبرگان فقه ادامه پیدا می‌کند و به مرحله حکم‌شناسی مراجع تقلید می‌رسد. مرحله‌های الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه اقتصادی به این صورت تبیین می‌شود:

- شناسایی و انتخاب موضوع اقتصادی و مالی؛
- تبیین بُعدهای فقهی موضوع اقتصادی و مالی؛
- بررسی مستندهای فقهی درباره موضوع؛
- تطبیق بُعدهای فقهی موضوع با مستندهای فقهی؛
- انتخاب خبرگان فقه اقتصادی؛
- گردآوری و جمع‌بندی نظرهای خبرگان فقه اقتصادی؛
- دریافت نظرهای مراجع عظام تقلید (موسویان و خوانساری، ۱۳۹۵).

۱۳. روش تفسیر موضوعی بیرونی

در این روش مفسر کار خود را با واقعیت موجود و محصول تجربه بشر در متن زندگی آغاز می‌کند و با شناسایی عناصر اصلی موضوع، پرسش‌ها و خلأهای موجود را مطالعه و سپس به قرآن مراجعه می‌کند. در کنار این روش، بهره‌گیری از قضایای اخباری - اقتصادی موجود در آموزه‌های اسلام نیز می‌تواند در شکل‌گیری دانش اقتصاد اسلامی مؤثر باشد (رستم‌نژاد و حسینی کوهساری، ۱۳۸۸).

۱۴. روش تجربی

شیوه اقتصاد تجربی در برخی از مطالعات اقتصاد اسلامی از جمله کیفیت تخصیص درآمد فرد مسلمان، مطلوبیت نهایی درآمد مصرف‌کننده مسلمان، عناصر تشکیل‌دهنده درآمد مسلمان، شیب منحنی تقاضا در بازار اسلامی و مواردی از این دست قابل استفاده است. در این روش استفاده از تجربه برای بررسی فرضیه‌ها و نظریات اقتصاد اسلامی ضروری است. درواقع در چارچوب اقتصاد اسلامی می‌توان با تشکیل مجموعه‌های آزمایشگاهی از کسانی

که به مکتب اقتصاد اسلامی معتقد هستند و بدان التزام عملی دارند، به بررسی نظریات و ارتباط پدیده‌های اقتصادی در عرضه اقتصاد اسلامی بپردازیم. می‌توان آنچه که در این فرایند تولید می‌شود را علم اقتصاد اسلامی یا علم اقتصاد در جامعه اسلامی نامید (نظریور، ۱۳۸۴).

۱۵. جمع‌بندی از روش‌های گردآوری شده

هر کدام از تبیین‌های روش اقتصاد اسلامی در حوزه علمی قم، معنایی از اقتصاد اسلامی را در نظر گرفته و روشی نظریه‌پردازانه برای کشف گزاره‌های آن ارائه داده است. این روش‌ها به دنبال ارائه الگویی کامل برای کشف گزاره‌های اقتصاد اسلامی با کمترین خطای ممکن در فرایند استنباط هستند؛ زیرا اسلامی بودن اقتصاد مبتنی بر وحی است. بنابراین به نظر می‌رسد هر کدام از الگوهای استنباط اقتصاد اسلامی، درواقع تولیدکننده گزاره‌هایی هستند که کاربرد خاصی داشته و از منظر نظریه‌پرداز، اقتصاد اسلامی مورد نظر را تولید می‌کند.

برای اعتبارسنجی روش‌های ارائه‌شده در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، می‌توان از مجموعه‌ای از شاخص‌های ناظر به «الگوی مطلوب روش نظریه‌پردازی» بهره گرفت. این شاخص‌ها شامل ابعاد معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، و فقهی - اصولی است که از منظر نظام‌واره اسلامی قابل تبیین‌اند. یکی از مؤلفه‌های کلیدی این شاخص‌ها، میزان واقع‌نمایی و کاشفیت روش نسبت به مقاصد الهی در زمینه گزاره‌های تولیدی اقتصاد اسلامی است؛ ازاین‌رو نباید این مؤلفه را در عرض الگوی مطلوب، بلکه باید در طول آن و به‌مثابه بخشی از ارکان آن دانست. بر این اساس، هر یک از روش‌های مطرح‌شده را می‌توان با اتکا به این سنج‌ها تحلیل و ارزیابی نمود. تحلیل تطبیقی این روش‌ها بر پایه شاخص‌های مذکور، امکان دستیابی به بهترین الگو برای استنباط گزاره‌های اقتصاد اسلامی را فراهم می‌سازد.

با تأمل در تاریخ شکل‌گیری نظریه‌های علم اقتصاد متعارف می‌توان دریافت که این نظریه‌ها عمدتاً ناظر به تبیین رفتارهای اقتصادی انسان‌هایی بوده‌اند که در بستر اجتماعی، فرهنگی و نهادی خاص اروپای غربی پس از انقلاب صنعتی می‌زیسته‌اند (سبحانی، ۱۴۰۰، ص ۹۴)، علم اقتصاد مدون در چارچوب این فضا، متشکل از عناصر ذهنی، عینی و فنی است که در تعاملات ساختاری با یکدیگر، نهادها و رفتارهای اقتصادی را شکل داده‌اند. این عناصر در قالب یک کلیت به‌هم‌پیوسته، به‌مثابه یک سیستم اقتصادی عمل کرده‌اند و منشأ شکل‌گیری نظریه‌های اقتصادی رایج گشته‌اند.

در مسیر دستیابی به نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی نیز، کشف چنین سیستم اقتصادی منبعث از تعالیم اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر است (سبحانی، ۱۴۰۰، ص ۹۷). از این منظر، روشن‌شناسی در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند صرفاً بر استقراء گزاره‌های دینی یا ارائه قواعد فقهی بسنده کند، بلکه باید ناظر به کشف ساختار نظام‌مند رفتاری مبتنی بر دین اسلام باشد؛ سیستمی که توانایی تولید نظریه‌های علمی در حوزه‌های مختلف اقتصاد، مانند مصرف، تولید، مبادله، پول، تجارت، توسعه، مالیه و غیره را داشته باشد.

بنابراین، سیستمی بودن نه تنها یک ویژگی، بلکه معیار ارزیابی روش‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی است. این معیار نیازمند تبیین شاخص‌هایی مشخص برای سنجش میزان انطباق یک روش با لوازم سیستم‌سازی دینی است؛ شاخص‌هایی همچون انسجام درونی عناصر رفتاری، قابلیت تولید قواعد اقتصادی ناظر به زمان و مکان، امکان نهادسازی دینی، و میزان اتکا به مبانی ارزشی و فلسفی اسلام. تنها روش‌هایی که بتوانند این شاخص‌ها را برآورده سازند، از قابلیت نظریه‌پردازی مطلوب برخوردار خواهند بود.

بر این اساس، رویکرد مکتبی در اقتصاد اسلامی - که مبتنی بر احکام فقهی و سازوکارهای زمانمند و مکان‌مند شکل می‌گیرد - با هدف دستیابی به سعادت و هدایت جامعه، بنیانی برای ساخت سیستم اقتصادی اسلامی فراهم می‌آورد. هرچه روش ارائه‌شده توانمندتر در کشف عناصر مؤلفه‌ساز این سیستم باشد، به همان میزان مطلوبیت آن برای نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی افزایش خواهد یافت؛ چراکه دین، بر پایه تعیین بایدها و نبایدهای الهی استوار است و پذیرش هست‌ها و بایدهای ناظر به معیشت انسان، زمینه‌ساز طراحی سیستمی است که بتواند در تراز اهداف شریعت حرکت کرده و نظریه‌های اقتصادی سازگار با آن را تولید نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

در این راستا، به نظر می‌رسد روش «نظریه اندیشه مدون» با رویکردی انتقادی و تکمیلی نسبت به دیدگاه شهید صدر، با استقراء تمامی عناصر تشکیل‌دهنده سیستم اقتصادی اسلام و تبیین سازوکارهای کشف آنها از متون دینی، الگویی جامع ارائه می‌دهد. این الگو ضمن کشف نظام اقتصادی اسلام، قادر به تولید الگوهای رفتاری منطبق با مبانی دینی نیز هست. درعین حال، سایر روش‌ها می‌توانند در تکمیل و تسهیل گذار از نظریه به عمل در چارچوب همین سیستم ایفای نقش نمایند.

نتیجه‌گیری

سراغاز شکل‌گیری روش و نظریه اقتصادی در سده اخیر حوزه علمیه قم، مربوط به نظریه آیت‌الله شاه‌آبادی با عنوان نظریه تکوین و ادعا است که با در نظر گرفتن مؤلفه‌های هستی‌شناختی و مکتبی در زمان و مکان متناسب با موقعیت، آموزه‌های اسلام را در حوزه اقتصاد تبیین می‌کند. مرحله بعدی ورود روش‌شناسانه حوزه علمیه قم بر نظریات اقتصاد اسلامی، بعد از چاپ کتاب *اقتصادنا* شهید صدر و حضور شاگردان ایشان در حوزه علمیه قم است که با شروع انقلاب اسلامی، مباحث پیرامون نظریه شهید در حوزه علمیه قم رونق گرفته و در رساله‌ها، مقالات و کتاب‌های علمی منعکس می‌شود. نقش سده اخیر حوزه علمیه قم در شکل‌گیری روش‌شناسی مطلوب اقتصاد اسلامی، معطوف به ارائه نظریات روشمند در جهت کشف نظام و سیستم اقتصادی اسلام بر پایه عناصر دینی با رنگ موقعیتی بوده است که در این تحقیق، روش نظریه اندیشه مدون به عنوان روشی جامع در این مسیر معرفی شد که با کنار هم قرار دادن حداکثری عناصر دینی برای کشف نظام‌ها و الگوهای رفتاری اقتصادی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام را کشف و تبیین کرده است. و در نهایت نیز سایر روش‌هایی که در متن حوزه علمیه قم مطرح است، به عنوان روش‌های میانی و مکمل روش ذکر شده قرار می‌گیرند.

منابع

- آقائزری، حسن (۱۳۸۵). درآمدی بر شکل‌گیری نظریات علمی اقتصاد اسلامی. در: <https://icaoi.ir>
- آقائزری، حسن (۱۳۹۶). روشن‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد نهادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقائزری، حسن و خطیبی، مهدی (۱۳۹۲). روشن‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر. معرفت اقتصادی، ۸، ۲۸۵.
- ترخان، قاسم (۱۳۹۲). نقش علم کلام و اعتقادات در علم اقتصاد. کتاب نقد، ۶۶، ۳۰۳-۳۵۰.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۲). شیوه شهید صدر؛ در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان. اقتصاد اسلامی، ۳ (۱۰)، ۲۲-۹.
- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۸). مبانی فلسفی و روشن‌شناسی اقتصاد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.
- حائری، سیدکاظم و یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۰). اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر. اقتصاد اسلامی، ۱ (۱)، ۲۲-۴۲.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۷). درآمدی بر الگوی حکمی و اجتهادی علوم اجتماعی اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱۳، ۷-۳۵.
- ربانی، محمدباقر (۱۳۹۴). فقه اجتماعی و بایسته‌های روش‌شناسانه آن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی. فقه و اجتهاد، ۴، ۷۹-۱۰۱.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و خطیبی، مهدی (۱۳۹۶). روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت. معرفت اقتصادی، ۱۷، ۲۹-۴۶.
- رستم‌نژاد، مهدی و حسینی کوهساری، سیدمفید (۱۳۸۸). روشن‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی. قرآن و علم، ۴، ۳۳-۶۴.
- سبحانی، حسن (۱۴۰۰). ابهام‌زدایی از اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰). تشریفات المعارف. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۰). اقتصاد ما. ترجمه محمدکاظم بجنوردی. تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۹). روش استنباط خرده‌نظام و کلان‌نظام. در: a-alidoost.ir
- النفوری، خالد (۱۴۲۱ق). فقه النظرية لدى الشهيد الصدر. فقه اهل البيت، ۵ (۲۰)، ۱۲۳-۲۰۴.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۷). نقش شیعه در گسترش جامعه‌شناسی و اقتصاد. قم: امام علی بن ابی‌طالب.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق). البیع. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسویان، سیدعباس و خوانساری، رسول (۱۳۹۵). اجتهاد چندمرحله‌ای روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۳)، ۳۷-۵.
- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۸۶). روش فلسفه علم اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۷ (۲۷)، ۴۵-۶۶.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۳). روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی. قیاسات، ۳۴، ۲۸۹-۱۰۲.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹). روش کشف نظام اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی، ۳۹، ۵-۳۴.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۸۴). آزمون‌های تجربی در اقتصاد و کاربرد آن در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۷، ۱۱-۴۴.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷). مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴). تفسیر نظریه شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه. فقه و حقوق، ۱۷، ۸۷-۱۰۶.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵). روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۶ (۲۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴). تحلیل الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی. اقتصاد اسلامی، ۵۷، ۸۷-۱۱۲.